

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمد حسن روزی طلب
- **سردبیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عبوسی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

- **زیرین رستمی** وند(اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهره کشوری** (زیست‌بوم) • **فرناز قلعه‌دار** (حوادث)
- **مهدی کلهرنژاد** (اجرای)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی پور** (ویراستاری)
- **ابوالفضل نسایی** (عکس)



- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

آن کسی که وجدان دارد اگر به اشتباه خود بی برسد، رنج می‌کشد. این خود بیش از اعمال شاقه برایش مجازات است.

جنایت و مکافات
فتودور داستایوفسکی

نقل قول



سیروس کوهزی‌نژاد
بازیگر سینما و تلویزیون

آشنایی من با امام حسین (ع) از طریق کتاب رخ داد

براساس چهره‌ای که من دارم همه فکر می‌کنند اهل جنوب هستم، ولی من تهران متولد شدم و این آشنایی هم در تهران اتفاق افتاد. مسجد محله‌مان مسابقه خلاصه کردن کتاب گذاشته بود و آشنایی من با مسجد و امام حسین (ع) از طریق کتاب اتفاق افتاد. من آن کتاب را خلاصه کردم و یک جفت کتابی به من جایزه دادند. محرم شد و تا به خودم آدمم دیدم من زنجیر در دست دارم، بچه‌ای سنج می‌زند، دیگری دارد نوحه حفظ می‌کند و دسته کودکانی شکل داده بودیم. گاهی به جنوب می‌رفتیم، گاهی هم در زمزمه‌های مادرم نوحه‌هایی می‌شنیدم. در پاسخ به اینکه اگر در معرکه عاشورا حضور داشتیم، کجا قرار می‌گرفتم باید بگویم که من نقش «جون» غلام حضرت امام حسین (ع) را بازی می‌کردم و آن لحظه‌ای که این شخصیت اذن میدان می‌خواهد. او اسلحه‌ساز بوده و داشته شمشیر حضرت را بزان می‌کرده است که متوجه می‌شود حضرت خیلی غریب نشسته، حرف می‌زند، شعر می‌خواند، اما این بار انگار اولین باری است که جون این اشعار را می‌شنود....

بخشی از گفته‌های این هنرمند با ایستا

طنز

ماجراهای خانم آقای او

انحصار در دایره عشق!



ارامیرادگان
طنز نویس

عمق چروک گوشه چشم حاجی به قاعده چاله چوله‌های زندگی است. نیمچه خم‌خم راه می‌رود، معلوم نمی‌کند حاجی عیاش می‌کشد یا عشا حاجی‌اش... لخلخ گیوه می‌کشد کف کوچک، از دور صدایش می‌دود دم گوش بانو. بانو ذوقش می‌شود، آسه می‌رود دم آیینه گره لچکش نظم و نسق می‌دهد، چاروق می‌اندازد دم پایش، پر می‌کشد در وا کند برای حاجی. حاجی سنگین می‌شوند، لاکن تق تق چاروق بانو با نبض هم‌ساز است... عشا تیرک می‌کند، راست می‌ایستد تا بانو که در گوشه دلش

بکشد قربان قد و بالای حاجی برود. خال کوشتی بیخ دماغ حاجی از عمر نصف اهل گذر کهنه‌تر است! چادر چاقچور بانو به عمر همین رنگ بوده، زهوار عمرشان در رفته، تر و تازگی از هر دو گذشته. نه چهارتا شوید پریشان روی سر طاس حاجی دل می‌برد، نه تای کمر و لب‌های قیطان و برف زلف بانو شهر آشوب است. آدمشان یک عمر است نومی‌شود، غلط نکنم هرچه هست و ما رویتان نمی‌شود پشت و پستوی دلشان پنهان شده... علی احوال زن جماعت در عشق، ذاتاً انحصارطلب است. ماندیم قدیم که زن‌ها ناچار به برتافتن هو بودند چطور تباب آورده دق نمی‌کردند. ما خودمان رویت کنیم کسی چپ نگاه «آقای او» انداخته، با همین نخ و سوزن داخل جعبه سوهان حاج محمد و پسران، پلک‌هایش به هم می‌دوزیم.

خاطرم‌ان باشد کل حسن اواخر عمرش حواس درست و به قاعده نداشت، با خیال‌های قهوه‌ای حقای سربی مویش می‌شد تسبیح انداخت. یک نوبه سالانه‌سلانه به سمت راه‌پله می‌رفت، تعجیل کردیم ناغافل تنه زدیم به پیرمرد، ۹۰ درجه چرخ خورد، کانهو عروسک کوچکی تعلق نکرد، لایق به مقصد، غبه راه را به سمت در رفت، یک لحظه هم مرد نشد مسیر تصور یافته.

پریروز، حاج خانم آمد بود بی مان، گله و شکوا داشت مستأجرشان آرابیرا کرده آمده مهلت اجاره بگیرد، لچکش شل بوده، زلف بیرون ریخته، پیش کل حسن ناز و غمزه ریخته. پیرزن برافروخته غمی زد مردم جلف و ناچور شده‌اند. دل‌نگران بود زن شل حجاب ناغافل دل از شوهرش ببرد....

مداقه کردیم توی چشم‌هایش صبغه پنجاه-صفت سال عشق و عاشقی برق می‌زد. نشستم به انگاشتن روزگار شباب کل‌حسن، که زلف پریشان و قد بالا بلندش بند دل حاج‌خانم گسیخته بود. چه دل‌واپسی‌ها از سر گذرانده که عشقش رسیده به این روزگار! لایب شیشه عمر عشق به جان کشیده که سر پیری هنوز دل‌نگران شوهر چروکیده بی‌حواس قصیرالقامت تندمراجش است.

حالا یا چه پاک و تهوری زهره می‌کنند به من بگویند نگران آقای او -هزارالله اکبر چشمم کف پایش- با آن جلال و جبروت و قد و بالا جذبیه نباشم؟ مگر اینکه به ارتشما و تعریف از خود نباشد از خوبیت و محاسن و زینت و استغنا و تمامیت خودمان باشد حیرت کند چه جای تشویب است، وگرنه از کمال زینتمان، در عشق از همه انحصارطلب‌تریم.

عکس نوشت

دریچه



حامد ایتام
پژوهشگر حوزه نشر

ساختار حرفه‌ای نشر؛ سروپرستار

دیرزمانی فرض آدم‌ها در مواجهه با کتاب و متن این بود که «هر مکتوبی مقبول است». به لطف خدا و پیشرفت علم و دانش از آن زمان گذر کردیم و در دوران گذار از «هر مکتوبی حتی ارزش یک بار مطالعه هم ندارد.» هستیم. با این حال یک چیز عوض نمی‌شود که هر متنی لایذ ارزشی داشته که مکتوب شده اپنا به همین تصور هر کتابی که می‌بینیم حتماً چیزهایی برای عرضه دارد و حرف‌هایی در آن هست که می‌ارزد توفرش کنیم. این واری آن است که هرچه منتشر شده، باید پاکیزه و بی‌غلط باشد. یعنی اگر تمام گزاره‌ها هم مردود شوند و متن‌های منتشره الزاماً مقبول، ارزشمند و متقن نباشند، دست‌کم باید درست و روشن و پاکیزه نوشته شده باشند! کارکرد انتشارات در مواجهه با کتاب اینجا اهمیت می‌یابد. اساساً انتشارات جایی است که کتاب‌هایش فارغ از هر ارزش و جایگاهی ویراسته و پیراسته عرضه می‌شوند.

توقع و البته حق مخاطب این است کتابی که می‌خواند غلط و کزتابی و درازکوبی و قلمبه‌کوبی و کنگی نداشته باشد. ناشران هم کار متخصصانه و مستمّر این اعتماد را ساخته و می‌سازند. متولی تحقق این اعتبار در نشر سروپرستار است. کسی که منصوب شده و حقوق می‌گیرد که به ناشر خدمات ویرایشی بدهد، به نویسنده برای بهبود متنش کمک کند و برای احقاق حق و جلب رضایت مخاطب بکوشد. این چهار ضلع را کسی می‌تواند مدیریت کند که علاوه بر تصاحب این جایگاه شناختی از وضع هر کدام از اضلاع داشته باشد.

هرکسی می‌تواند سروپرستار باشد و ویرایش کند، اما سروپرستاری یک جایگاه انتصابی است و ممکن است از کسی گرفته شود. سروپرستار علاوه بر مهارت و تجربه در ویرایش باید کار تشکیلاتی بداند و آدم پیگیرتر، با برنامه‌تر، جدی‌تر و دقیق‌تری از یک ویراستار معمولی باشد.

وظایف سروپرستار

در نگاهی کلی هر متنی که از نشر خارج می‌شود، از زیر چشمان سروپرستار رد می‌شود و حتی در عناوین کتاب‌ها، متن بروشورها، متن‌های ترویجی و... دقت‌های ویرایشی او تعیین‌کننده است. سروپرستار در ساختار نشر ذیل مدیر فرهنگی عمل می‌کند و با دبیران هر بخش در تعامل است. او بر کار دیگر ویراستاران و نمونه‌خوانان استخدامی یا پروژه‌ای نظارت دارد و آنها نیروهای او هستند. برای شروع همکاری با ویراستاران، نمونه‌خوان‌ها، خلاصه‌نویس‌ها، بازیونیس‌ها و دیگر مشاغل و حرفه‌های ذیل ویرایش، اوست که نمونه‌کار و رزومه را بررسی می‌کند و در ادامه هم بر کیفیت کار آنها نظارت دارد. پیگیری امور ایشان نیز بیشتر در حوزه دبیر کتاب است و سروپرستار جایگاه ارزیابی کیفی دارد. تهیه و تنظیم شیوه‌نامه ویرایشی هر نشری هم بر عهده سروپرستار است. شیوه‌نامه‌ای که شامل مواردی است همچون روش به‌کارگیری علائم سجاوندی، روش درج منبع و باورقی، املائی مختار کلمات، نقاط جدانویسی واژه‌ها و....

کارکرد سروپرستار

آنچه با فعالیت سروپرستار رخ می‌دهد، یک‌دستی در روش ویرایش است. این نظارت و تعیین وضعیت سرعت کار را افزایش می‌دهد و آن را دقیق می‌کند. سروپرستار بر مبنای شیوه‌نامه ویرایشی مسیرو کیفیت ویرایش را مشخص می‌کند و با حضور ارزیابانه خود مراقب کیفیت ویرایش متن هاست. او نباشد همه دست‌اندرکاران تولید کتاب علم ادعا برد می‌دارند و اینجاست که هر کسی نظر خودش را اعمال می‌کند، بی‌آنکه معلوم باشد کیفیت کار هر کدام چقدر است. با حضور سروپرستار تکلیف ویراستار و روش کار و کیفیت کار او روشن می‌شود.

یادداشت

اربعین

وادی حیرت



مصطفی وثوق کیا
روزنامه نگار

اربعین وادی حیرت است. از هر طرف که نگاه کنی حیرت دارد. مدل زیارتش حیرت می‌آورد. این همه راه بروی و سختی بکشی، گرما را تحمل کنی، سرما را تاب بیاوری که بریسی به بارگاه مولا. یک سلام بدهی و راهت را بکشی برگردی زادگاهت. عراقی‌ها این طورند دیگر. یازده تا بیست روز پیاده‌روی می‌کنند تا برسند و سلام بدهند. در اصل، طریق همان رسیدن و سلام اذن زیارت سال بعد. اینجاست که

باور می‌کنی اینجا وادی حیرت است. انگار در همه جاده‌ها و کوچک پس کوچه‌ها، کنار پای تک‌تک آدم‌ها، حیرانی مثل رود جاری است و همه از آن تر می‌شوند، در آن آب‌تنی می‌کنند و البته بعضی هم شاید در آن غرق می‌شوند. اربعین، وعده و کربلا، معیادگاه همه آدم‌هایی است که طعم این حیرانی را چشیده‌اند و دست از لذت آن نمی‌کشند هرچند خیلی سخت باشد.

اربعین وادی حیرت است چرا که با ظاهر کار را می‌بینیم. سفرهای زنجین را می‌بینیم و التماس‌های میزبانی که دوست دارد خانه‌اش را از زوار آماش پر کند، حیرت است چون یحتمل او آنچنان تمکن مالی ندارد اما یک سال پس‌انداز می‌کند برای اینکه ۱۰ روزی بتواند میزبان باشد برای زواری که پیاده طی طریق می‌کند. او باید بعد اربعین برای خرج بومی‌هایش تلاش کند و از همان رزق اندک نوشته زائران سال بعد را هم کنار بگذارد.

حیرت است و دیگر چیزی نیست. چون ما چشم ظاهر داریم و باطن را نمی‌بینیم که عظمت اربعین را درک کنیم. می‌دانی بعد دیگر این حیرت چیست؟ آنجا که همه می‌دانند این سفر سختی دارد، مشکل دارد، اسکان این همه جمعیت محال است اما باز می‌زنند به جاده، حاضرند پیاده عمود به عمود راه بروند کربلا، کنار خیابان بنشینند زل بزنند به گلدسته‌های زیبای حرم عباس و حسین(ع). شاید حتی نتوانند به حرم هم بروند به خاطر ازدحام جمعیت اما همین را هم تنبیت می‌دانند و باز می‌روند، اینها باز همه ظاهر است چون باطن را فقط خدا می‌داند و بس.

از بعد تمدنی هم ببینی حیرانی در اربعین جاری است. اینجا ملیت رنگ می‌بازد و تمام. همه می‌شنوند زائر حسین و مگر در این وادی اهمیت دارد کجایی هستی؟ به قول مرحوم علی سلیمانی ما همه «حسین‌چی» هستیم. می‌گفت از عناوین جهان نوکری‌ات ما را بس. دیگر چه می‌خواهیم وقتی حسین را داریم. در حکومت امام زمان (عج) هم همه سرباز مهدی هستیم. رنگ و ملیت و نژاد آنجا کنار می‌رود و ما همه یکی هستیم، اینجا در اربعین تمرین یکی بودن می‌کنیم تا هم برای خودمان هم برای مسلمانان جهان الگوی درست را عرضه کنیم.

امام سجاد (ع):
در شگفتم از کسی که از غذا می‌پرهیزد تا گرفتار زبان آن نشود؛ ولی از گناه پرهیز نمی‌کند تا گرفتار ننگ و کار آن نکردد.



کشف القمه، ج ۲، ص ۱۰۷

نگاره

خودبینی



حمید صوفی / طراح و کارتونبست

فضای مجازی

دعوت وزیر فرهنگ برای تماشای «تنهار از مسیح»

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از تماشای نمایش «تنهار از مسیح» در توثیتی نوشته: «در کنار مردم عزیز نمایش «تنها تر از مسیح» را که بسیار بدیع و برگرفته از هنری ایرانی-اسلامی است دیدم. هرشب چند هزار نفر از دوستان آل‌الله به واسطه این نمایش، در این مکان حاضر می‌شوند و یک اثر هنری بسیار با کیفیت می‌بینند. از علاقه‌مندان برای تماشای این نمایش دعوت می‌کنم.»



اظهار نظر رئیس صداوسیما درباره سریال حضرت موسی (ع)

پیمان جبلی رئیس سازمان صدا و سیما دیداری از روند پیش تولید سریال الف ویژه‌فاخر «حضرت موسی (ع)» داشته است و در یادداشت کوتاهی در فضای شخصی خود در ویراستی نوشته است: «پیش تولید مجموعه الف ویژه فاخر حضرت موسی (ع) این روزها با تلاش مجاهدانه برادرانم ابراهیم حاتم‌کیا کارگردان نام‌آور و سید محمود رضوی تهیه‌کننده حرفه‌ای ادامه دارد. مجموعه تلویزیونی راهبردی حضرت موسی (ع)، انقلابی در تولید سینما و تلویزیون ایجاد خواهد کرد.»



ابتلای آرش میراحمدی به سرطان

آرش میراحمدی از ابتلای خود به بیماری سرطان پانکراس خبر داده و اشاره کرده که از روز شنبه درمان خود با شیمی‌درمانی را آغاز خواهد کرد. آرش میراحمدی زاده ۴ تیر ۱۳۵۰ (بازیگر سینما و تلویزیون ایران است. از مهم‌ترین آثار آرش میراحمدی می‌توان به بازیگری در سریال «خنده بازار»، سریال «محلک گل و بلبل» و سریال «بچه محل» اشاره کرد. آرش میراحمدی با انتشار یک ویدیو پس از ۸ ماه در مورد بیماری‌اش توضیحاتی ارائه داد.



نگاه کزازی به گنجینه زبان‌ها و گویش‌های بومی

نقل قولی از میرجلال‌الدین کزازی در صفحه‌ای که با نظارت وی مدیریت می‌شود، با همان لحن و شیوه نگارش خاصی که از این استاد دانشگاه و شاهنامه‌پژوه سراغ داریم منتشر شده که در آن آمده: «زبان‌ها و گویش‌های بومی به پاس نژادگی و دیرینگی شان (خالص بودن و قدمت زیاد)، گنجینه‌هایی‌اند گران‌ارج. این گنجینه‌های یگانه و بی‌جان‌شین چشمه‌سارانی‌اند زنده و زایا و نوشین، فرهنگ گرانسنگ و سرگذشت بشکوه و نازشخیز ایران را. از همین روست که ایران ما بهشت زبان‌شناسی تاریخی است. در پاسداری از آنجا به جان، بگویشیم و ارج آنها را بدانیم.» این نوشته از دفتر نازنجستان ناخودآگاهی باز نشر شده است.



نوشته سلیمانی برای جمشید مشایخی

سپند امیرسلیمانی بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار عکسی از زنده‌یاد جمشید مشایخی نوشته: «نبودن شما هیچ وقت عادی نمی‌شود. خیلی از شما یاد گرفتم، خیلی. به شب تو اوج ناراحتی بودم شما بهم گفتین اینجور مواقع یاد شعر حضرت حافظ بیفت. چرخ بر هم زخم از غیر مرادم گردد/ من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک. گاهی به حرف چقدر حال آدم رو عوض میکنه.»



اظهار خوشحالی بابت هدیه‌ای فرهنگی

اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه نوشته: «اول صبح پنجشنبه، هدیه ارزشمند رفیق هنرمند و با مرام امیرحسین مدرس، به دستم می‌رسد و چشم و دلم را روشن می‌کند. دوست فرزانه‌ای که در دانش و ذوق و نکته‌سنجی مرتبتی دارد و در این سالیان تلخ، خلوت‌گزیده و با تصحیح و تدوین نسخه‌هایی کمتر دیده شده از گنجینه ادب فارسی دلدادگی خود را به دانایی، زیبایی و فرهنگ با این قبیل خدمات پراح عنیت می‌بخشد. خدا را شاکرم به خاطر موهبت بی‌بدیل دوستی با اهل فضل.» کتابی که امینی درباره اش نوشته، «قطره دریای همت» نام دارد، گزیده‌ای از کلیات طالب علی لکنوویی متخلص به «عیسی»، شاعر قرن سیزدهم قمری. انتخاب و تدوین و تصحیح این کتاب را امیرحسین مدرس انجام داده است.



عکس: مهر